



## شماره ثبت: ۲۵۰۲

### بسم الله الرحمن الرحيم فهرست مطالب

|        |                                           |
|--------|-------------------------------------------|
| ۲..... | استثنائات غیبت.....                       |
| ۲..... | اولین استثناء: متجاهر به فسق.....         |
| ۲..... | مرور گذشته.....                           |
| ۲..... | فرع اول.....                              |
| ۲..... | بررسی ادله.....                           |
| ۲..... | دلیل اول:.....                            |
| ۲..... | دلیل دوم:.....                            |
| ۴..... | فرع دوم.....                              |
| ۴..... | فرع سوم: هدف پند گیری در غیبت متجاهر..... |
| ۵..... | فرع چهارم.....                            |
| ۵..... | فرع پنجم: تجاهر عرفی.....                 |
| ۵..... | فرع ششم: اصرار معصیت.....                 |



## استثنائات غیبت

### اولین استثنا: متجاهر به فسق

### مرور گذشته

اولین استثناء متجاهر به فسق است. روایاتی را ملاحظه کردید. ذیل این بحث چند فرع را مطرح می‌کنیم:

### فرع اول

آیا استثنا اختصاص به همان عیبی که در او متجاهر می‌کند، دارد، یا اینکه تمام عیوب مستور شخص را دربر می‌گیرد. در این نظر پنج قول وجود دارد. بعد از این به دسته‌بندی روایات پرداختیم:

الف) تعبیر متجاهر به فسق داشت. در باب ۱۵۴ وجود داشت.

ب) روایات صحیحه سماعه بود که مفهوم آن دال بر مسئله بود.

### بررسی ادله

با بررسی مجموع این روایات متوجه شدیم که به دو دلیل نمی‌توانیم جواز غیبت متجاهر را در عیوب غیر متجاهر را بدهیم. غیبت در همان مایه متجاهر بها جایز است. اما در سایر معاصی آن جایز نیست:

### دلیل اول:

روایاتی که مفهوماً می‌گفت که غیبت متجاهر جایز است. ظاهراً جواز را می‌داد اما به دلایل نسبت حکم و موضوع و وجود قراین، مانع از انعقاد اطلاق می‌شد. اهمیت غیبت و حرمت مسلم، اقتضا می‌کند که تنها در گناه متجاهر، جواز غیبت است.

### دلیل دوم:

دلیل دوم این است که بگوییم همراه آیت‌الله تبریزی (ره) می‌شویم و می‌گوییم روایات اطلاق دارد. زیرا ظاهر لفظی روایات اطلاق دارد. هم شامل گناهانی می‌شود که اظهار می‌کند و هم گناهانی که مستور است. اما فرمول دیگر اصولی در اینجا وجود دارد.



## شماره ثبت: ۲۵۰۲

حضرت امام (ره) می‌گوید بین روایات وارد شده در استثنای متجاهر به فسق، و روایات ستر و یحیی بن الارزق، عموم و خصوص من وجه است.

### نتیجه تعارض

عموم و خصوص من وجه به این شکل است:

روایاتی دسته اول اعم از گناهی است که اطلاق کرده است و یا گناهانی که مستور است. روایات دسته دوم که «ستر الله علیه» را بیان می‌کرد، اطلاق دارد. بیان امر مستور شخص حرام است. چه شخص خوب که متجاهر به فسق ندارد. و چه متجاهر در گناهان غیر از تجاهرش را در برمی‌گیرد. بین این دو دلیل عموم و خصوص من وجه می‌شود.

ماده افتراق دلیل تجاهر: در محدوده‌ای است که متجاهر گناهانش را آشکار می‌کند.

ماده افتراق دلیل ستر در جایی است که غیر متجاهر است. کسی که تجاهر به فسق ندارد.

ماده اجتماع در جایی است که متجاهر است، البته نسبت به گناهان مستور آن.

این تعارض من وجه است. وقتی تعارض بشود، دو نظر وجود دارد:

الف) مثل باب تباین رجوع به مرجحات می‌کنیم. اولین مرجح نیز موافقت با کتاب است. و آن هم اطلاق دارد.

ب) نظر دوم این است که در بعد از تعارض، تساقط می‌کند و رجوع به عام و اطلاق فوق می‌کنیم. عام فوق نیز همان آیه قرآنی است که می‌گوید غیبت نکنید.

### اشکال

اگر کسی بگوید، رجوع به عام فوق و مرجح در جایی است که تعارض در تعریف نباشد، اما اگر در تعریف آمد، اصلاً اجمال مفهومی پیدا می‌کند.

### جواب اشکال



## شماره ثبت: ۲۵۰۲

اگر در مقام تعریف، تعارضی به وجود بیاید، به عام فوق مراجعه نمی‌کنیم. زیرا در تعریف ایراد وجود دارد. این یک اشکال فنی دقیق است. اما باید جواب بدهیم که این تعریف، تعریف خاص شرعی است. قیودی همچون ستر و «یکره» را از شرع به دست می‌آوریم. همچنین تعریف ستر بر جای خود باقی می‌ماند و با تعریف یکسان است.

### نتیجه‌گیری

با توجه به تمام موارد مذکور، در مورد تجاهر در غیر از گناهان تجاهر، غیبت جایز نیست. زیرا ادله تجاهر از این امر انصراف دارد. حتی اگر انصراف نداشته باشد، تعارض من وجه می‌شود و در نهایت باز اطلاق شامل می‌شود و نمی‌توانیم در غیر گناهان تجاهر شخص، غیبت وی کنیم.

### فرع دوم

یک فرض در استثنائات وجود دارد که کسی اکثریت معاصی را مبتلا است. به شکلی است که خود شخص نیز ابایی ندارد. اگر صد گناه نیز انجام می‌دهد برای گناه صد و یکم هیچ ابایی ندارد. این از جایگاه مسلم ساقط شده است. ادله شامل این مورد می‌شود و در موارد مستور نیز غیبت اشکالی ندارد. این شخص در موارد مستورش نیز ابایی ندارد و اتفاقاً تاکنون آن عیب‌ها مستور مانده است.

### فرع سوم: هدف پند گیری در غیبت متجاهر

نکته‌ی دیگر این است که هدف صحیح در غیبت متجاهر تداخلی دارد یا خیر؟

ادله اطلاق دارد. ممکن است حرف برای تنبیه دیگران و یا هوشیاری شخص باشد یا اینکه اهداف دیگری را داشته باشد. این ارتباطی در اطلاق ندارد.

بعضی می‌گویند که غیبت متجاهر باید با هدف صحیح و پند گیری و موعظه باشد که دلیلی بر آن نیست و اطلاق وجود دارد. البته ممکن است عناوین دیگری وارد بشود، مثلاً در بیان عیوب مسائل جنسی، به خاطر اشاعه‌ی فحشا، شاید ایراد داشته باشد.



## شماره ثبت: ۲۵۰۲

### فرع چهارم

مطلب بعد این است که ادله استثنای متجاهر در جایی است که شخص متجاهر می‌داند گناه انجام می‌دهد و بر آن ابایی ندارد. گاهی شخص شرب خمر می‌کند ولی به خاطر مریضی این کار را می‌کند. یا مثلاً علی بن یقطين عون الظلمه می‌کند اما این به خاطر اوامر دیگری دارد. این ادله تجاهر، قطعاً این موارد را شامل نمی‌شود. گفتن کار آشکار وی، ایرادی ندارد ولی صدق متجاهر نمی‌کند. ثمره این بحث در اقوالی شبیه آقای تبریزی (ره) بروز می‌کند که نباید در گناهان غیر تجاهر نباید غیبت کنیم.

### فرع پنجم: تجاهر عرفی

گاهی شخص در منطقه‌ای تجاهر دارد و گاهی در منطقه‌ی دیگر تجاهر ندارد. این را هم قبلاً کاملاً بحث کردیم. که اگر در منطقه‌ای تجاهر به فسق ندارد، غیبت آن در آنجا جایز نیست.

### فرع ششم: اصرار معصیت

اصرار بر معصیت که باعث تشدید گناه می‌شود، آیا ملحق به این موارد می‌شود یا خیر؟

باید بگوییم خیر. اگر کسی معصیتی را مخفی انجام می‌دهد ولو اینکه در آن اصرار دارد. صرف اصرار، مجوز غیبت نمی‌شود مگر اینکه اصرار موجب کشف معصیت بشود.